

ساختار و عملکرد سیاسی حزب ایران در دوره پهلوی دوم

(۱۳۲۲-۱۳۵۷)

یحیی مرادی سرابی^۱

چکیده

پس از برگزاری انتخابات دوره چهاردهم مجلس در پاییز ۱۳۲۲ در کانون مهندسين ايران تحولاتی رخ داد و کانون به دو طیف جدا از هم منفک شد. گروهی از اعضا تندرو آن به سمت اتحادیه‌ی کارگری هوادار حزب توده گرایش یافتند و بیش‌تر اعضای میانه‌رو کانون حزب ایران را به وجود آوردند. در حقیقت حزب ایران پس از انتخابات مجلس چهاردهم در پاییز ۱۳۲۲ توسط فعالان ستاد انتخابات مهندس غلام-علی فریور و محمد مصدق تشکیل شد. حزب ایران از نظر سیاست خارجی، متشکل از روشنفکران متمایل به استفاده از نیروی آمریکا در مقابل انگلیس و روسیه بود. از سوی دیگر اعضای حزب نماینده‌ی طبقه‌ی متوسط سکولار، بورژوازی ملی و معتقد به مشروطه سلطنتی بودند. حزب در صدد انجام اقدامات اصلاحی در سطوح اجرایی بالا بود، در نتیجه فعالان آن بیش‌تر به فکر دست‌یابی به مشاغل مهم افتادند و حزب به بنگاه کارگشایی تبدیل شد. به دلیل اختلافات و مشکلاتی که نیروهای ملی و حزب ایران بعد از کودتا با آن روبه‌رو شدند آن‌ها از توجه مهم به تغییرات عمیق سازمان اجتماعی-سیاسی و فعالیتی مهم، باز ماندند. افزون بر این، برخی از رهبران حزب، حتی بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و سقوط دولت مصدق، علاوه بر نزدیکی

۱. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه خوارزمی Yahyamoradi82@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۲۵



به دربار، از سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا حمایت کردند. با انحلال جبهه ملی دوم فعالیت حزب ایران دچار رکود گشت. حزب ایران بعد از انقلاب اسلامی به لحاظ ایدئولوژیکی با نیروهای انقلابی مشکل داشت و به همین دلیل بتدریج از صحنه‌ی سیاسی جامعه کنار زده شدند و در نهایت به همراه جبهه ملی فعالیت آن ممنوع شد. این پژوهش سعی دارد که با رویکرد توصیفی-تحلیلی مبتنی بر روش کتابخانه‌ای، اسناد و روزنامه‌ها سازوکاری مناسب از روند فعالیت سیاسی حزب ایران، پایگاه اجتماعی، ایدئولوژی و سیاست خارجی آن را بررسی کند و علت تضاد درونی حزب و ناکامی آن را در عرصه فعالیت سیاسی بیابد.

واژه‌های کلیدی: حزب ایران، جبهه ملی دوم، کودتا، نهضت مقاومت ملی.



مقدمه

با پیش آمدن فضای باز سیاسی که بعد از شهریور ۱۳۲۰ در کشور ایران پدید آمد، طیف‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی به عرصه فعالیت سیاسی و اجتماعی روی آوردند و در خیزآب فضای باز سیاسی برآمده پس از حدود دو دهه اختناق سیاسی، به سرعت دست به کار تشکیل حزب، گروه، انجمن و تشکل سیاسی شدند. در چنین شرایطی بود که اعضای هم صنف و طبقه و صرفاً با یک دیدگاه مشترک سیاسی یا مذهبی دست به ایجاد حزب و گروه سیاسی زدند. از این نظر دهه ۱۳۲۰ یکی از بهترین دوران شناخت نیروهای اجتماعی ایران محسوب می‌شود. اما به دلیل عدم تجانس این نیروها و تأسیس شتاب‌زده آن‌ها، بیش‌تر این گروه‌های سیاسی در مدت نه چندان درازی دچار انشعابات چندگانه شدند و تضادهای تاکتیکی، راهبردی و نداشتن خط مشی واحد سیاسی در برخورد با مسائل مختلف آن‌ها را دچار انشعاب کرد. حزب ایران نیز یکی از احزاب متشکله این دوران بود که از درون «کانون مهندسين ايران» که در سال ۱۳۲۱ تشکیل شده بود، به وجود آمد. حزب در دوران فعالیت خود اشتباهات چندی را مرتکب شد که نتیجه آن در انزوا قرار گرفتن حزب و انتقاد از آن از سوی مخالفان بود. با پیوستن حزب ایران به جبهه ملی و شرکت برخی از اعضای حزب در دولت مصدق، دوران اوج فعالیت حزب شکل گرفت. حزب ایران یکی از دیر پاترین احزاب سیاسی ایران و در زمان خود، سازمان یافته‌ترین حزب پس از حزب توده محسوب می‌شد. با وجود این تحقیقی منسجم که گستره فعالیت این تشکل سیاسی را بعد از کودتای ۲۸ مرداد که تا پایان فعالیت آن، بعد از انقلاب بررسی کرده باشد وجود ندارد. بازشناسی فعالیت حزب ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد و در فضای پیش آمده نسبتاً باز سیاسی در سال‌های اولیه دهه ۴۰ از اهمیت مهمی برخوردار است. اختلاف در کادر رهبری حزب و اختلافات در مشی سیاسی بین رهبران حزب،



عمدتاً در این سال‌ها بروز کرد. پژوهش‌هایی در زمینه فعالیت سیاسی حزب ایران انجام شده است که البته بیش‌تر آن را تا سقوط دولت مصدق در نظر داشته‌اند و به ادامه فعالیت حزب بعد از کودتا و تا پس از انقلاب و ممنوع شدن فعالیت آن چندان نپرداخته‌اند. کتاب‌هایی با موضوع این پژوهش در قالب کتب اسنادی به طبع رسیده است. ولیکن ساختار و ماهیت حزب ایران کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است.

شکل‌گیری و فعالیت اولیه

حزب ایران از جمله احزاب به وجود آمده پس از شهریور ۱۳۲۰ بود که تاریخ دقیق تشکیل آن، روشن نیست. (حزب ایران، مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها ۱۳۳۲-۱۳۲۳، ۱۳۷۹: ۱) هسته مرکزی این حزب، کانون مهندسين ایران بود که در سال ۱۳۲۱ توسط گروهی از جوانان روشنفکر و تحصیل کرده‌های غیر مذهبی در راستای منافع صنفی خود، تشکیل شد. با وجود اطلاعات کمی که در مورد کانون مهندسين ایران وجود دارد، اما به ظاهر اساس آن را عده‌ای از مهندسين وزارت پیشه و هنر به وجود آورده بودند و از سایر افراد هم سنخ خود نیز برای پیوستن به آن، دعوت به عمل آوردند، غلام‌علی فریور در سال‌های ابتدای تشکیل این کانون، ریاست آن را به عهده داشت. (بازرگان، ۱۳۷۶: ۳۷؛ مکی، ۱۳۶۸: ۱۸) با توجه به شرایط زمانه، کانون مهندسين به مسائل سیاسی روی آورد و در اسفند ماه ۱۳۲۲، حزب ایران از آن تشکیل شد. اما تاریخ تشکیل حزب ایران را به طور تقریبی باید پس از اعلام نتایج انتخابات مجلس چهاردهم شورای ملی در تهران (پاییز ۱۳۲۲)، توسط گروهی از فعالین ستاد انتخابی مهندس فریور و دکتر محمد مصدق دانست. (حزب ایران، مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها ۱۳۳۲-۱۳۲۳، ۱۳۷۹: ۱-۲؛ زیرک‌زاده، ۱۳۷۶: ۷۹) این حزب اولین و تنها حزبی بود که به جبهه ملی پیوست. (زعیم، ۱۳۷۹: ۹۲) بازرگان که از مؤسسين کانون و حزب، هر دو بود، تأسیس حزب را «ارمغان» اروپا دانسته است. (بازرگان، بی تا:

۱۰۳) در واقع حزب دارای صبغه روشنفکری بود نه چپ توده‌ای. بدین معنی که بیش‌تر مؤسسين آن تحصیل کرده اروپا بودند و در آنجا موفقیت گروه‌ها و انجمن‌های مختلف سیاسی و غیر آن را دیده بودند.

حزب ایران در زمان زمامداری قوام-تیر سال ۱۳۲۵- با حزب توده و فرقه دمکرات قوام، ائتلاف کرد و اللهیار صالح (وزیر دادگستری) و یکی دیگر از اعضای حزب، در کابینه قوام حضور پیدا کردند. ولی در سال بعد، از حزب توده جدا شد و به پشتیبانی مصدق تغییر موضع داد. اما کادر رهبری حزب، دیدگاه سوسیالیستی خود را حفظ کرد. حزب ایران همراه حزب زحمتکشان (نیروی سوم) و حزب ملت، پشتیبانان اصلی و سازمان یافته دولت مصدق و سیاست‌های عمومی او بودند.

از مؤسسين اولیه این حزب که سی نفر بودند، می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: دکتر شمس‌الدین جزایری، غلام علی فریور، مهندس ناصر معتمد، مهندس زیرک‌زاده، مهندس حسینی، مرتضی مصور رحمانی، دکتر محسن نصر، محسن خواجه‌نوری، مهندس گزیده‌پور و حسین مکی، مهندس حسینی، عبدالله معظمی، رضازاده شفق، عبدالحمید زنگنه، حسن معاون، کریم سنجابی، اللهیار صالح، شمس‌الدین امیر علائی، جهانگیر حق شناس، اصغر پارسا، ذکاء غفاری... (مکی، ۱۳۶۸: ۱۹؛ نجاتی، ۱۳۸۴: ۱۴۹)

مدتی پس از تشکیل حزب ایران، اللهیار صالح به دلیل سوابق سیاسی و خوش نامی به دبیر کلی حزب برگزیده شد. (حزب در ایران، ۱۳۸۹: ۷۲). همان‌طور که ذکر شد، حزب، در تابستان ۱۳۲۵ با سه تحول مهم روبه‌رو شد. در ابتدا این حزب به همراه احزاب توده، دموکرات کردستان، فرقه دموکرات آذربایجان، جنگل و حزب دموکرات ایران ائتلافی از جبهه احزاب موتلفه آزادی‌خواه را پدید آورد. سپس به همراه حزب توده در دولت قوام شرکت کرد که این امر باعث شد حزب با تحول سوم خود یعنی



انشعاب گروهی از عناصر و اعضای خود به رهبری دکتر شمس‌الدین جزایری که مخالف ائتلاف با حزب توده بودند، روبه رو شود. (اسناد احزاب سیاسی ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۰)، ۱۳۷۶: ۱۸۱). با توجه به این که عمر کابینه ائتلافی قوام ۷۵ روز بیش‌تر طول نکشید، اما نتیجه این ائتلاف برای حزب ایران از دست دادن گروهی از هواداران و اعضایش بود.

پس از آن در جریان انتخابات مجلس پانزدهم، حزب ایران با حمایت از مصدق در مبارزه انتخاباتی شرکت کرد. اما نامزدهای حزب ایران به دلیل دخالت‌های حزب دموکرات ایران همانند نامزدهای دیگر احزاب نتوانست به مجلس راه یابد. حزب ایران همکاری نزدیک خود را با مصدق ادامه داد و در جریان مبارزه بر ضد قرارداد الحاقی گس-گلشایان و تشکیل جبهه ملی و تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت حضوری فعال داشت. (اسناد احزاب سیاسی ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۰)، ۱۳۷۶: ۱۸۲) در دوران زمامداری دولت مصدق چند نفر از رهبران حزب ایران مانند صالح، سنجابی، حق شناس، زیرک زاده و حسینی در پست‌های مختلف دولت حضور داشتند. برخی نیز در مجلس شورای ملی به فعالیت می‌پرداختند. این دوره اوج فعالیت‌های حزب بود. اما با وجود این در پاییز سال ۱۳۳۱ با تشدید اختلافات درونی حزب، گروهی از اعضای حزب به رهبری محمد نخشب انشعاب کردند که پس از مدتی «جمعیت آزادی مردم ایران» را تشکیل دادند که زمینه ساز تشکیل حزب مردم ایران شد.

این اختلافات بین تعدادی از عناصر رده دوم حزب مانند محمد نخشب، حسین راضی و مهندس نوشین با برخی از اعضای کمیته مرکزی به خصوص سنجابی و زیرک‌زاده بود. موضوع اصلی این اختلافات که منجر به انشعاب در حزب شد، نحو موضع‌گیری حزب ایران در مقابل هیئت حاکمه، دولت مصدق و روابط درون حزبی بود. (مردم

ایران، (۱۳۳۱): ۱ و ۴؛ حزب ایران: مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها ۱۳۳۲-۱۳۲۳،
۱۳۷۹: ۲۱-۲۲ و ۳۳۰-۲۸۱)

حزب ایران بیش از گروه‌ها و احزاب دیگر به مصدق و آرمان‌های او وفادار ماند، اما به دلیل تمایل زیاد رهبران آن به احراز مناصب دولتی و ورود عناصری بدین منظور به حزب، که در واقع خط مشی سیاسی حزب برای کسب قدرت سیاسی بود حزب به «بنگاه کارگشایی» تبدیل شده بود و اشتباهاتی که در این مقام‌ها انجام داد یکی از عواملی بود که این حزب در شکست نهضت ملی موثر بود. (نجاتی، ۱۳۸۴: ۱۵۰)

حزب ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد

پس از کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت مصدق، جمعی از رهبران و فعالان حزب ایران مخفی، دستگیر و زندانی شدند. بعد از آن حزب به نهضت مقاومت ملی پیوست و فعالیت خود را در چارچوب آن ادامه داد، تا این که در اثر اختلاف آن‌ها با رهبران نهضت در مورد دولت کودتا، از نهضت جدا شدند. در بهمن ۱۳۳۵ حزب ایران با صدور اعلامیه‌ای که مهم‌ترین حامی آن صالح بود، دکترین آیزنهاور را پذیرفت. این امر با مخالفت برخی از نمایندگان مجلسین شورا و سنا و برخی جراید مواجه شد که با ناسزاگویی به صالح همراه بود. سرانجام نمایندگان طرحی را مبنی بر غیر قانونی دانستن حزب تسلیم مجلس کردند. این طرح ابتدا به بهانه ائتلاف حزب ایران با حزب توده در کمیسیون کشور و سپس در سال ۳۶ در کمیسیون دادگستری مجلس، به تصویب رسید، اما گویا این طرح به تصویب نهایی نرسید. (زیرک زاده، ۱۳۷۶: ۴۸۱؛ مهربان، ۱۳۶۰: ۴۰؛ آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۵۱۶-۵۱۵) ولی حزب با پذیرفتن دکترین آیزنهاور در انزوا قرار گرفت.

در سال ۱۳۳۹ با آزادی نسبی فضای سیاسی کشور، حزب ایران به همت سنجابی و بختیار تجدید حیات یافت. (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۷۵: ذیل «بختیار، شاپور») و



به همراه حزب مردم ایران، حزب ملت ایران و حزب سوسیالیست محمدعلی خنجی به جبهه ملی دوم پیوستند.

با انتخاب صالح به نمایندگی مجلس بیستم، شایعات دایر شدن تشکیلات حزب قوت بیش‌تری گرفت و مقارن با فعالیت‌های اولیه جبهه ملی دوم، اخباری در مورد احیای تشکیلات، و آغاز فعالیت علنی حزب ایران و همکاری سنجابی و بختیار در این زمینه شنیده می‌شد. (اللهیار صالح به روایت اسناد، ۱۳۸۳: ۵۰ و ۲۳۰-۲۲۹) اما با این حال عمده‌ترین فعالیت‌های حزب ایران در این زمان زیر پوشش جبهه ملی انجام می‌گرفت و خبرهای فعالیت جبهه ملی دوم، حزب ایران را تحت‌الشعاع قرار داد و فعالیت‌های حزب بیش‌تر صرف نوشتن نامه‌ها و جمع‌آوری آراء برای صالح و مسافرت او به همین جهت بود. (اللهیار صالح به روایت اسناد، ۱۳۸۳: ۵۰) به دلیل تبعید مصدق و با وجودی که وی هم چنان بر شیوه مبارزه منفی و آماده کردن اذهان عمومی در جبهه برای وحدت رویه در دوران فعالیت نهضت مقاومت تأکید داشت و در مقام رهبری در سال ۳۷ توصیه کرده بود: «برای کسب دستورات لازم به آقای اللهیار صالح مراجعه نمایند»، (اللهیار صالح به روایت اسناد، ۱۳۸۳: ۲۰۰) صالح نفوذی مؤثر در بین اعضای جبهه پیدا کرده بود و از سکان داران اصلی آن محسوب می‌شد و جنبه «شیخوخیت» داشت. در جبهه ملی دوم حزب ایران هم چنان نظر همیشگی خود را درباره حکومت مشروطه حفظ کرده بود و از نظر سیاسی حکومت وقت را قانونی و به رسمیت می‌شناخت و امیدوار بود از طریق دیپلماسی و مذاکرات سیاسی در امور اداری به مقامی برسد و حکومت قانونی را به وجود آورد.

حزب ایران هشتمین کنگره خود را در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۰ برگزار کرد و صالح را به ریاست انتخاب کرد. مهم‌ترین موضوع بحث این کنگره به چگونگی تداوم حیات حزب ایران مربوط می‌شد. این وضعیت تا بهمن سال ۴۲ که امکان تشکیل کنگره



جدید حزب به وجود آمد، ادامه یافت. در این جلسه که در منزل حسینی و به منظور تعیین خط مشی سیاسی و شیوه مبارزه حزبی برگزار شد، حسینی، صالح، بختیار، مهندس فریدون امیر ابراهیمی، باقر کاظمی، ابوالفضل قاسمی و ناصرالدین موسوی به عنوان اعضای کمیته مرکزی حزب تعیین شدند. ضمناً دبیر کل حزب تعیین نشد تا خط مشی حزب معین شود. سنجابی و حق شناس علی رغم تمایل صالح در این جلسه شرکت نکردند و لذا انتخاب نشدند. این کمیته به مدت یک سال اختیار اداره حزب را در دست داشت و دو بار و هر بار به مدت شش ماه می‌توانست مدت آن را تمدید کند. در این مدت با آن که حزب به جبهه ملی دوم پیوسته بود، اما محافظه‌کاری صالح در جبهه باعث به وجود آمدن اختلاف و چند دستگی در حزب شد و سبب گردید بر خلاف موفقیت او در کنگره هشتم، در این جلسه که در اسفند ماه ۴۲ تشکیل شد، بعد از کاظم حسینی و به عنوان نفر دوم کمیته مرکزی انتخاب شود. (اللهیار صالح به روایت اسناد، ۱۳۸۳ : ۵۱) این در زمانی بود که بسیاری از اعضای حزب را از مراکز اداری اخراج کرده بودند. (یاری، ۱۳۸۴ : ۱۷۰ و ۱۷۸) در اردیبهشت سال ۴۳ جلسه شورای مرکزی حزب برای تعیین خط مشی و به طور کلی وضعیت حزب تشکیل شد. در این زمان اختلافات با مصدق به اوج رسیده بود و سنجابی تقاضای انحلال حزب را کرد. (اللهیار صالح به روایت اسناد، ۱۳۸۳ : ۳۵۴) در همین روز صالح، سنجابی و امیرعلایی در جلسه شورای مرکزی جبهه از سمت‌های خود استعفا کردند. (اللهیار صالح به روایت اسناد، ۱۳۸۳ : ۳۵۵) در خرداد ۴۳ صالح با وجود مخالفت سازمان جوانان حزب به رهبری بختیار با او، با رأی اکثریت شورای مرکزی حزب بار دیگر به دبیر کلی انتخاب شد که البته صالح این سمت را نپذیرفت. (اللهیار صالح به روایت اسناد، ۱۳۸۳ : ۵۲-۵۱)



پس از کناره‌گیری صالح، ابوالفضل قاسمی از اعضای کمیته مرکزی حزب که طرفدار صالح بود، در تیر ماه سال ۴۳ از حزب کناره‌گیری کرد. در این سال‌ها پس از باقر کاظمی، شاپور بختیار که از جانب مهندس علی قلی بیانی و مهندس فریدون امیر ابراهیمی از اعضای هیئت ریسه شورای مرکزی حزب ایران، حمایت می‌شد در حال قدرت‌گیری بود و احتمال رهبری او در حزب می‌رفت. (احزاب سیاسی در ایران، آبان ماه ۶۶: ۹؛ هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۴: ۵۲؛ اللهیار صالح به روایت اسناد، ۱۳۸۳: ۳۷۶) در ۱۲ شهریور سال ۱۳۴۴ ساواک از تشکیل کنگره حزب ایران در منزل حسینی جلوگیری کرد. در ادامه بازداشت‌های شهریور ماه - در تیر ماه حسنعلی منصور ترور و خفقان بیش‌تر شده بود- در کنار دستگیری رهبران جبهه، رهبران حزب ایران نیز بازداشت شدند، ولی با وجود این برخی آن‌ها از تجدید فعالیت تدارکات حزبی غافل نشدند و تماس‌هایی با برخی از هم‌فکران خود برقرار کردند. اما همانند گذشته، مسائل جبهه، حزب ایران را تحت‌الشعاع قرار داده بود و جلسه‌ها و نشست‌های اعضای مرکزی و فعال حزب به صرف ناهار یا شام و بحث درباره مسائل جاری کشور و یا تحولات سیاسی جهان مانند جنگ اعراب و اسرائیل تبدیل شده بود. ادامه این روند باعث شد تا در سال ۱۳۴۹، فروهر ضمن تحلیل از احزابی چون نهضت آزادی، جامعه سوسیالیست‌ها و حزب ایران بیان کند: «حزب ایران عملاً منحل شده و حتی آن‌هایی که به شاپور بختیار اعتقاد داشته‌اند، از اطراف وی پراکنده شده‌اند». (اللهیار صالح به روایت اسناد، ۱۳۸۳: ۵۳-۵۲) لذا در حقیقت بعد از استعفای صالح و هم‌زمان با انحلال جبهه ملی دوم فعالیت حزب ایران دچار رکود گشت و تا مرز انحلال پیش رفت و در حقیقت در فاصله سال‌های ۴۲ تا اواسط دهه ۱۳۵۰ از فعالیت‌های حزب، به جز تشکیل جلسه‌های نامنظم و تبادل نظر در مسائل سیاسی روز، اطلاع دیگری وجود ندارد. از سال ۱۳۵۶ احزاب از جمله حزب ایران، برای از

سرگیری فعالیت‌های جبهه تحت نام جبهه ملی چهارم، به تکاپو افتادند. این گروه‌ها با صدور اعلامیه‌ای با عنوان «شاخه پیشرو برای اتحاد نهضت مقاومت ملی ایران» و با نام جدید «اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران» فعالیت خود را شروع کردند و با شعار آزادی، خواستار بازگشت امام خمینی به کشور شدند. (اطلاعات، ۱۳۵۷: ۴؛ یاری، ۱۳۸۴، ۳۷۹-۳۷۵). در سال ۱۳۵۷ جلساتی برای تعیین مشی سیاسی حزب تشکیل شد و در جلسه‌ای که در دی ماه همان سال برگزار شد، بختیار به دبیر کلی حزب انتخاب شد. با تشکیل دولت بختیار و حضور دو نفر از اعضای حزب در دولت او (۱۳۵۷)، حزب به کانون موافقان و مخالفان بختیار تبدیل شده بود. اما طرفداران بختیار با تسلط بر حزب، آن را به شکل کانون ضد انقلاب بدل کردند. مهربان، ۱۳۶۰: ۲۱۸-۲۰۵). با توجه به اختلافات ایدئولوژیکی و سیاسی رهبران حزب ایران با نیروهای انقلاب، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این حزب نقش موثری در کشور نداشت و پس از مدتی فعالیت این حزب و به طور کلی، جبهه ملی ممنوع اعلام شد. هم زمان، جبهه ملی دوم نیز مانند حزب ایران دچار اختلاف شدید بود و تنش بر سر اقدامات حاد یا محافظه‌کاری با بروز اختلاف بین صالح با سنجابی و بختیار، در آن دو دستگی ایجاد کرده بود و آن را تضعیف کرد. پس از انحلال جبهه ملی دوم، همان طور که گذشت حزب ایران که از ارکان آن محسوب می‌شد، امکان فعالیت علنی نیافت و پس از آن به طور مخفیانه به فعالیت‌های خود ادامه داد.

سران حزب ایران در طی فعالیت جبهه ملی دوم، تمام تلاش خود را در راه به دست آوردن قدرت و مقام سازمانی صرف کردند و در این راه از همکاری با حکومت پهلوی و دولت آمریکا، نیز واهمه نداشتند. این موضوع کاملاً به ضرر جبهه ملی دوم تمام شد، زیرا در اذهان عموم این گونه القا شد که تلاش رهبران جبهه ملی و دلسوزی آن‌ها برای مردم، فقط برای به دست آوردن حکومت و قدرت است. (قیام ۱۵ خرداد



به روایت اسناد(زمینه‌ها)، ۱۳۷۸، ۳۲۱). بنابراین کادر رهبری جبهه ملی در میان توده مردم و به خصوص در میان دانشجویان به سازش با دربار متهم شد و به اعتبار خود را تا حد زیادی لطمه زد. (اللهیار صالح به روایت اسناد، ۱۳۸۳: ۳۳۹). از آغاز فعالیت جبهه ملی دوم، حزب ایران به رهبری اللهیار صالح، همواره چشم‌انتظار حمایت دولت آمریکا برای رسیدن به قدرت بود. (منصوری، ۱۳۷۷: ۲۴). صالح بدون در نظر گرفتن نقش آمریکا در سرنگون کردن دولت مصدق و سقوط نهضت ملی ایران، اظهار داشت جبهه ملی از الگوی بی‌طرفی ایران در سیاست خارجی جانبداری نمی‌کند و خواهان روابط دوستانه دولت‌های ایران و آمریکا است و لغزش‌های آن دولت را دلیل محکومیت سیاست آمریکا نمی‌داند و عنوان شدن نظر بی‌طرفی از سوی برخی فعالین جبهه ملی را نظر شخصی آن‌ها دانست. (جبهه ملی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹: ۷۱). در واقع مخرج مشترک حزب ایران و حکومت پهلوی تمایل به گسترش روابط ایران و آمریکا بود و در این راه حتی با هم رقابت داشتند.

حزب ایران و آمریکا

حزب ایران در حالی از سیاست آمریکا در ایران و منطقه حمایت می‌کرد، که دولت مردان آمریکایی به شدت مخالف قدرت‌گیری جبهه ملی بودند. چرا که ترس از خروج هیئت نظامی آمریکا از ایران، انحلال پیمان سنتو، گرفتن پول بیش‌تر از قرارداد کنسرسیوم و از دست دادن رأی موافق ایران در سازمان ملل با قدرت‌گیری جبهه می‌توانست رقم بخورد و در نتیجه ضربه شدیدی به حیثیت آمریکا وارد می‌شد. (تاریخ مستند روابط دوجانبه ایران و ایالات متحده آمریکا، ۱۳۷۸: ۴۸۵).

جانبداری اللهیار صالح به حمایت از سیاست دولت آمریکا، به سال‌های گذشته باز می‌گشت. وی از دوران دبیرستان هنگامی که در دبیرستان آمریکایی‌ها در تهران، درس می‌خواند، با برخی از مأموران سیاسی آن کشور آشنا شد. در سال ۱۳۲۵، طرح



«ترومن» را پذیرفت و از آن دفاع کرد و در سال ۱۳۳۱ به عنوان سفیر دولت مصدق، راهی آمریکا شد و در سال ۱۳۳۵ چنان که گذشت، با صدور اعلامیه‌ای از سوی حزب ایران با امضای خود، از دکترین آیزنهاور استقبال کرد. (اللهیار صالح به روایت اسناد، ۱۳۸۳: ۲۶ و ۱۰۰) و این که موسسان حزب ایران عده‌ای از روشنفکران مایل به استفاده از نیروی آمریکا (آمریکوفیل) در مقابل نفوذ انگلیس و شوروری بودند. (فوزی، ۱۳۸۴: ۱۲۸). اما در واقع صالح فردی ملی بود که مانند مصدق و همه اطرافیان او، برای مدت طولانی اعتقاد داشت که آمریکایی‌ها استعمارگر نیستند و برای کمک به آزادی و کسب حقوق مردم ایران آمده‌اند. (کیانوری، ۱۳۷۱: ۴۲۲) البته شاید سخن اخیر را بتوان تا پیش از کودتای ۲۸ مرداد پذیرفت. اما پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و نقشی که آمریکا در سرنگونی مصدق داشت، دیگر همه اطرافیان مصدق و بخصوص شخص او چنین نظری نداشته‌اند.

آنچه حزب ایران و شخص اللهیار صالح را بیش تر از همیشه به سوی آمریکا و جلب کمک آن کشور و نزدیکی به دربار سوق می‌داد، طمع خام سرپرستی ولیعهد و وجود شایعاتی مبنی بر نخست‌وزیری وی در دوران صدارت امینی و اسدالله علم بود که کم و بیش از سوی آمریکای‌ها منتشر می‌شد. (اللهیار صالح به روایت اسناد، ۱۳۸۳: ۲۹۹ و ۲۹۷ و ۱۸۶؛ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد ساواک (زمینه‌ها)، ۱۳۷۸: ۴۴۸).

حمایت حزب ایران و صالح از دولت آمریکا تا آنجا پیش رفت که رهبری حزب و شخص صالح می‌گفتند آمریکای‌ها اصولاً با مصدق میانه خوبی ندارند و مصدق را باید از جبهه ملی دوم کنار گذاشت. (قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد (زمینه‌ها)، ۱۳۷۸: ص ۳۲۸) حمایت اللهیار صالح و طیف هوادانش از آمریکا، که در چارچوب سیاست کلان آن کشور بازیچه‌ای بیش نبودند، تنها نتیجه‌اش عمیق‌تر شدن شکاف‌ها و اختلافات درونی جبهه ملی و انتقاد از عملکرد آن‌ها به خصوص از جانب



دانشجویان بود. شاید اگر حزب ایران، همانند آرمان‌های اولیه جبهه ملی به توده مردم مستمسک می‌شد و از سیاست بی‌طرفی منفی حمایت می‌کرد، با حمایت گسترده مردم سرنوشت جبهه ملی دوم را جوری دیگر رقم می‌زد.

مرامنامه و اساس‌نامه (تشکیلات و سازمان‌ها)

مرامنامه حزب ایران در سه وجه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و یک قسمت با عنوان «شرایط عضویت» در سال ۱۳۲۴ به شرح زیر تنظیم شده بود: از نظر سیاسی، حفظ استقلال کشور و پشتیبانی از اصول دموکراسی؛ از نظر اقتصادی، استقرار عدالت اجتماعی و کوشش در بهبود وضع مادی ملت از راه توجه به کشاورزی، صنعت و بهره‌برداری از منابع ثروت کشور؛ و از نظر اجتماعی، تهذیب اخلاق، تعمیم فرهنگ و تأمین بهداشت عمومی بود. (جبهه، ۱۳۲۴: ۴؛ اسناد احزاب سیاسی ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۰)، ۱۳۷۶: ۱۸۵-۱۸۴؛ حزب ایران: مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها (۱۳۳۲-۱۳۲۳)، ۱۳۷۹: ۸.

این مرامنامه که قدیمی‌ترین سند اساسی حزب ایران است، در سال ۱۳۲۴ منتشر شد، اما گفته شده است که احتمال دارد آن در ابتدای فعالیت حزب در سال ۱۳۲۳ تنظیم شده باشد. (حزب ایران: مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها (۱۳۳۲-۱۳۲۳)، ۱۳۷۹: ۲۶). در این مرامنامه در مورد اهداف حزب در بخش سیاست خارجی مطالبی اظهار شده بود که بیانگر ساده‌انگاری حاکم بر فضای فکری حزب در آن سال‌ها بود. چنان که آمده بود:

«سیاست ما روشن، راست و بی‌ریا است، در مقابل انتظار جدی داریم که سایر دول نسبت به ما صریح باشند و استقلال کامل و تمامیت ارضی کشور ما را شرافتمندانه محترم شمارند.» (حزب ایران: مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها (۱۳۳۲-۱۳۲۳)، ۱۳۷۹: ۶۵).

علاوه بر مفاد مرامنامه، اعضای حزب، بر استقلال سیاسی حزب تأکید داشتند. هنگام تدوین مرامنامه به دلیل اختلاف نظر در برخی مفاد آن از جمله، بندی در مورد ترویج دین اسلام و موضوع دخالت دولت در امور اقتصادی، عده‌ای از اعضای حزب مانند رضا زاده شفق و حسین صدر از حزب جدا شدند. (زیرک زاده، ۱۳۷۶: ۸۰).

در فاصله سال‌های ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۷ حزب ایران اساس‌نامه‌ای معین نداشت و تشکیلات آن بیش‌تر بر مبنای هسته اولیه تشکیل دهند آن که در واقع می‌توان آن را هیئت مؤسس حزب نامید، مدیریت می‌شد. از این جهت فعالیت حزب در مقطع اولیه خود، بیش‌تر مبنایی غیر تشکیلاتی داشت. در مرحله دوم فعالیت حزب که از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۲ ادامه داشت، حزب فعالیت‌های خود را بر اساس تشکیلاتی منسجم پی گرفت. اما علی‌رغم این روند مثبت در ساختار تشکیلاتی حزب، حدود یک دهه حدود شصت درصد اعضای کمیته مرکزی آن تغییر نکردند و این افراد، سکندار کمیته مرکزی و به طور کلی حزب بودند. (حزب ایران: مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها ۱۳۲۳-۱۳۳۲، ۱۳۷۹: ۲۶) چنین امری علاوه بر این که نشان دهنده گروه‌گرایی و به انزوا رفتن معیارهای حزبی به نفع معیارهای غیر حزبی بود بلکه نمی‌توانست نشانه پیشرفت و موفقیت حزب در اجرای اهدافش باشد. نخستین اساس‌نامه حزب ایران در فروردین ماه ۱۳۲۷ در جریان مذاکرات اولین کنگره حزب تدوین یافت. بر پایه این اساس‌نامه، تشکیلات و سازمان‌های حزب ایران که در اولین کنگره حزب در فروردین ۱۳۲۷ به تصویب رسید، عبارت بودند از:

کنگره، شورای مرکزی، کمیته مرکزی، دبیرخانه، فراکسیون پارلمانی، سازمان شهرستان‌ها، کانون‌های سازمان؛ کانون امور مالی، کانون امور شهرستان‌ها، کانون عملیات انتفاعی، کانون مطبوعات، حوزه‌ها، سازمان جوانان، سازمان زنان و سازمان انتظامات. (جبهه، ۱۳۲۷: ۱-۲). (*)



نشریات وابسته و تشکیلات حزب

نخستین ارگانی که حزب منتشر ساخته است، به درستی مشخص نیست. (حزب ایران: مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها ۱۳۲۳-۱۳۳۲، ۱۳۷۹: ۲۷) اما برخی نخستین ترجمان حزب را روزنامه «شفق» دانسته‌اند. (مهربان، ۱۳۶۰: ۱۵). بدین ترتیب ارگان حزب ایران در دهه ۱۳۲۰ به ترتیب روزنامه‌های «شفق»، با مدیریت شمس‌الدین جزایری که از سال ۱۳۲۳ ترجمان حزب قرار گرفت؛ هفته‌نامه «جبهه» که در سال بعد انتشار یافت و زمانی که توقیف می‌شد شفق به جای آن منتشر می‌شد؛ «جبهه آزادی» - این دو روزنامه اخیر، ارگان اصلی حزب در سال‌های بعد به شمار می‌رفتند - و اخبار ایران بود. علاوه بر این‌ها نشریات هفتگی «نبرد امروز»، «باستان»، «دانشگاه» و «جوانان ایران» نیز هم‌زمان یا در توقیف آن‌ها ناشر افکار و اهداف حزب محسوب می‌شدند. (اسناد احزاب سیاسی ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۰)، ۱۳۷۶: ۱۸۳؛ حزب ایران: مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها ۱۳۲۳-۱۳۳۲، ۱۳۷۹: ۲۷) «ندای کاشان» و «جریده شیراز» نیز از جمله جریده‌های شاخه شهرستان حزب بودند. (حزب ایران: مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها ۱۳۲۳-۱۳۳۲، ۱۳۷۹: ۲۷) نشریات حزب تقریباً از الگوی واحدی برخوردار بودند و علاوه بر اخبار حزبی، گزارشات از اخبار ایران و جهان را در خود منعکس می‌کردند.

حزب ایران مدت‌ها ارگان رسمی نداشت و قدرت انتشار روزنامه‌ای که به صورت مرتب انتشار یابد را نداشت. اما برای حفظ ارتباط با مردم روزنامه‌های کوچکی چون «دموکراسی» و «استقلال» (۱۳۲۶) را منتشر می‌کرد. ولی در زمان ملی شدن صنعت نفت، «جبهه آزادی» چنان که ذکر شد، به عنوان ترجمان سازمان جوانان حزب در سال ۲۹ منتشر می‌شد که از اسفند ماه سال ۳۱ به ارگان مرکزی حزب تبدیل شد. (داد، ۱۳۲۶: ۴) بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، اساساً نشریه‌ای از سوی حزب منتشر

نشد. (حزب ایران: مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها ۱۳۲۳-۱۳۳۲، ۱۳۷۹: ۳۰). از قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ حزب ایران عملاً فعالیت‌هایش را متوقف ساخت، اما با وجود این تا سال ۱۳۵۷ و حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی وجود داشت و بدین ترتیب یکی از دیرپاترین احزاب سیاسی کشور به شمار می‌رفت.

پایگاه اجتماعی

موسسان و اعضای حزب بیش‌تر از تحصیل‌کردگان خارج از کشور و روشنفکران با تمایلات سوسیالیستی بودند. این‌ها بیش‌تر در بین مهندسان که موسسان اولیه حزب بودند، کارمندان اداره‌های دولتی، زنان تحصیل‌کرده و دانشجویان بودند. (آبراهامیان، ۱۳۷۸: ۳۱۲) از همین رو به اعتقاد کاتوزیان، حزب ایران، حزبی سیاسی به معنای واقعی نبود، بلکه تشکلی بود از تحصیل‌کرده‌های اروپا با گرایش آزادی‌خواهانه و سوسیال دموکراتیک. (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۹۲) اما باید گفت، حزب ایران از معدودی احزابی در ایران بود که فعالیت‌های آن با معیارهای یک حزب تمام عیار سیاسی نزدیک و هم‌خوانی داشت. این باور از این جا ناشی می‌شود که گستره فعالیت حزب ایران را، اساس‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های خاص برای به پیش بردن فعالیت حزب، و تلاش برای اجرای مفاد آن‌ها از جمله برگزاری کنگره‌ها و انتخابات برای تعیین اعضای کمیته‌ها و شوراهای تشکیل داده بود.

ایدئولوژی حزب ایران

حزب ایران ایدئولوژی و طرز تفکر خاصی نداشت و ضمن این که شعارهای ناسیونالیستی می‌داد؛ نوعی از سوسیالیسم را نیز ترویج می‌کرد و در عین حال به تضاد طبقاتی و مبارزه طبقاتی بین دو گروه اعتقاد نداشت.

آبراهامیان می‌گوید حزب ایران معتقد بود که تضاد اصلی اجتماعی و جنگ طبقاتی در ایران میان «غنی استثمارکننده» و «فقیر استثمارشونده» است. حزب ایران



هم‌چنین و با وجود این که اکثر رهبران حزب از طبقات بالای جامعه بودند برضد خانواده‌های پولدار قدیمی و جدید به جنگ تبلیغاتی می‌پرداخت. (آبراهامیان، ۱۳۷۸ : ۳۱۳ و ۱۸۳) مرام سوسیالیستی حزب، از نظر توجه به آزادی و اعتقاد به دموکراسی و حقوق ذاتی انسان‌ها، با سوسیالیسم احزاب چپ فرق داشت. در حقیقت حزب با وجود گرایش‌های سوسیالیستی و درج موادی در حمایت از طبقه کارگر در برنامه خود، به بحث در مورد حقوق کارگران و تقسیم مردم به طبقات گوناگون، مانند طبقه کارگر، روشنفکر و کشاورز تمایلی نداشت. (حزب ایران: مجموعه ای از اسناد و بیانیه ها ۱۳۳۲-۱۳۲۳، ۱۳۷۹ : ۷۴).

مهندس بازرگان در این باره گفته است: «شعار حزب ایران معرف کامل طرز فکر و تحول کاملاً طبیعی است که در زمینه دومین نوع طرز تفکر در ایران و به دنبال هدف اعتصاب مهندسين پدیدار گشت: برای ایران، با فکر ایرانی، به دست ایرانی، حزب ایران ایدئولوژی خاصی نداشت و یک حزب ناسیونالیست ملی بود که مدرنیسم و سوسیالیسم را هم برای خاطر ناسیونالیسم به خود اضافه می‌نمود.» (بازرگان، بی تا : ۱۰۹) بنابراین این شعار مبنای همه فعالیت‌های حزب و سرلوحه کلیه مباحث و عملکرد حزب بود.

در این راستا، در جریان درخواست شوروری در سال ۱۳۲۳ برای گرفتن امتیاز نفت شمال و مسأله اعطای امتیاز نفت به شرکت‌های آمریکایی، حزب ایران با صدور قطعنامه‌ای مخالفت خود را از هر گونه واگذاری امتیاز به دولت‌ها و یا شرکت‌های بیگانه اعلام کرد و پیشنهاد کرد استخراج نفت نیز باید به شرکتی داده شود که حداقل ۵۱ درصد سهم آن از آن دولت ایران باشد. (شفق، ۱۳۲۶: ۵). حزب ایران سوسیالیست‌های تحصیل کرده اروپا بودند و به طبع تحت تأثیر سوسیالیسم اروپایی بودند. حزب اصلاح طلب و خواستار حرکت تدریجی و نه انقلابی برای اصلاح

ساختار اجتماع بود و با مذهب به عنوان یک اندیشه که می‌بایست با مکاتب فکری دیگر تلفیق شود و به عرصه اجتماع آید مخالف بود. در حقیقت حزبی با اندیشه سکولار بود. اما چون با دیکتاتوری، سلطه بیگانه و فساد دستگاه اداری مخالف بودند توانستند توده قابل توجهی از ملیون و حتی افراد مذهبی را نیز جذب کنند. اما در عین حال که توانسته بودند پایگاه گسترده‌ای را میان قشر تحصیلکرده به دست آورند نتوانستند توده مردم را جذب کنند و پایگاه وسیعی در میان مردم نداشتند. (یاری، ۱۳۸۴ : ۹۴ و ۳۰-۲۹).





نتیجه گیری

حزب ایران نماینده‌ی طبقه‌ی متوسط سکولار، بورژوازی ملی و معتقد به مشروطه سلطنتی بود. حزب ایران حزب به طور کلی طرفدار سیاستی ملی بر ضد امپریالیسم بود، بنابراین حزب هر چند ایدئولوژی خاصی نداشت به دلیل مخالفت با بیگانگان گروه قابل توجهی از ملیون و حتی افراد مذهبی را به خود جذب کرد. و همین امر سبب شده بود تا افراد مختلفی صرف نظر از عقاید مذهبی در آن عضویت داشته باشند. و بنابراین حزب دچار تضاد در تاکتیک و راهبرد و نحوه مبارزه با حکومت و تعیین خط میشی سیاسی خود بود. این اختلافات علاوه بر انشعابات چندگانه در حزب عدم انسجام لازم را برای پیشبرد اهداف سیاسی حزب را به همراه داشت. رهبران اولیه حزب ایران که اغلب از اساتید دانشکده‌های حقوق و فنی دانشگاه تهران و تحصیلکرده غرب بودند معتقد به فعالیت حزب در چارچوب قانون اساسی بودند و دین را جدای از سیاست می دانستند. حزب ایران از آغاز با استقبال طبقه جوان روشنفکر و ضد کمونیسم مواجه شد و به زودی در مقابل حزب توده به عنوان یک سازمان مستقل، متجدد و لیبرال ظاهر شد و قشر جوان تحصیلکرده داخل و خارج را به خود جذب کرد. تضاد طبقاتی و جنگ طبقاتی آن گونه که در احزاب چپ وجود داشت در حزب ایران جایگاهی نداشت و حزب در حقیقت تضاد اصلی اجتماعی را بین «مردم تحت سلطه» و «حاکمان سلطه‌گر» می دانست. حزب ایران به دلیل تشکیلات خاص شامل آیین نامه و اساسنامه خاص و تلاش برای برگزاری فعالیت های حزبی از قبیل برگزاری کنگره های مختلف و انتخابات درون حزبی برای تعیین اعضای کمیته ها و شوراها، پس از حزب توده به عنوان اولین حزب سیاسی سازمان یافته بعد از شهریور ۱۳۲۰ بود که در حقیقت با معیارهای معمول یک حزب سیاسی تطابق داشت. و اگر برخی از فعالان حزب در راه رسیدن به برخی مقام و مناصب به دربار و آمریکا اعتماد نمی کردند و براساس همان الگوی سیاست همراهی با مردم در جبهه ملی حرکت می کردند چه بسا خود زمام امور را به دست می گرفتند یا حداقل از سرنوشتی که به آن دچار شدند گرفتار نمی شدند.

منابع

روزنامه‌ها:

اطلاعات، ش ۱۵۶۹۹، (۸ شهریور ماه ۱۳۵۷)

جبهه، ش ۲۵، (۷ آذر ماه ۱۳۲۴)

جبهه، ش ۷۴۶، (۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۲۷)

داد، سال اول، ش ۳۱، (۱۵ دی ماه ۱۳۲۶)

شفق، ش ۱۴، (۶ آذر ۱۳۲۶)

مردم ایران، ش ۱۱، (۲۷ بهمن ماه ۱۳۳۱)

منابع دیگر

احزاب سیاسی در ایران «بخش اول» (آبان ماه ۶۶). ترجمه و تنظیم: دانشجویان

مسلمان پیرو خط امام، ج ۲؛ تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی آمریکا.

اسناد احزاب سیاسی ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۰) (۱۳۷۶). بکوشش بهروز طیرانی، ج ۱،

تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.

آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۸). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد

ابراهیم فتاحی، تهران: نی، چ ۳.

بازرگان، مهدی (۱۳۷۶). یادداشت‌های روزانه و خاطراتی از درون زندان و سفر

حج، تهران: قلم.

بازرگان، مهدی (بی تا). مدافعات در دادگاه غیر صالح تجدید نظر نظامی، بی جا:

بی نا.

بازرگان، مهدی (بی تا). مدافعات در دادگاه غیر صالح تجدید نظر نظامی، بی جا: بی

نا.



- تاریخ مستند روابط دوجانبه ایران و ایالات متحده آمریکا (۱۳۷۸). گردآورندگان یوناه الکساندر و آلن نانزه، ترجمه سعید لطفیان و احمد صادقی، تهران: قومس.
- جبهه ملی به روایت اسناد ساواک (۱۳۷۹). ج ۱، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- حزب ایران: مجموعه‌ای از اسناد و بیانیه‌ها ۱۳۳۲-۱۳۲۳ (۱۳۷۹). بکوشش مسعود کوهستانی نژاد، تهران: مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۵). مدخل «بختیار، شاپور»، در **دانشنامه جهان اسلام**، زیر نظر غلامعلی حدادعادل، تهران: بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- زعیم، کورش (۱۳۷۹). **جبهه ملی از پیدایش تا کودتای ۲۸ مرداد**، با همکاری علی اردلان، تهران: ایران مهر، چ ۲.
- زیرک زاده، احمد (۱۳۷۶). **خاطرات** (پرسش‌های بی پاسخ در سال‌های استثنایی)، بکوشش ابوالحسن ضیاء ظریفی و خسرو سعیدی، تهران: نیلوفر.
- سفری، محمدعلی (۱۳۸۰). **قلم و سیاست** (از کودتای ۲۸ مرداد تا ترور منصور)، ج ۲، تهران: نارمک.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴). **تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران**، ج ۱، تهران: عروج.
- قدسی‌زاده، پروین (۱۳۸۹). «حزب ایران»، در **دانشنامه جهان اسلام**، تهران: نشر مرجع
- قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد** (زمینه‌ها) (۱۳۷۸). ج ۱، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- کاتوزیان، (همایون) محمدعلی (۱۳۷۸). **مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران**، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز، چ ۲.

کیانوری، نورالدین (۱۳۷۱). *خاطرات نورالدین کیانوری*، تهران: موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی دیدگاه و اطلاعات.

اللهیار صالح به روایت اسناد، (۱۳۸۳). *گردآورنده: برات دهمرده*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مکی، حسین (۱۳۶۸). *خاطرات سیاسی*، تهران: علمی.

منصوری، جواد (۱۳۷۷). *قیام پانزده خرداد به روایت اسناد*، ج ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مهربان، رسول (۱۳۶۰). *بررسی مختصر احزاب بورژوازی لیبرال در مقابله با جنبش کارگری و انقلابی ایران*، تهران: پیک ایران.

نجاتی، غلامرضا (۱۳۸۴). *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)*، ج ۱، تهران: انتشارات خدمات فرهنگی رسا.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۴). *سرنوشت یاران دکتر مصدق*، تهران: علمی، چ ۲.

یاری، سیاوش (۱۳۸۴). *حزب ایران به روایت اسناد ساواک*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی